

دیدگاه

شماره: ۱۰۷۱

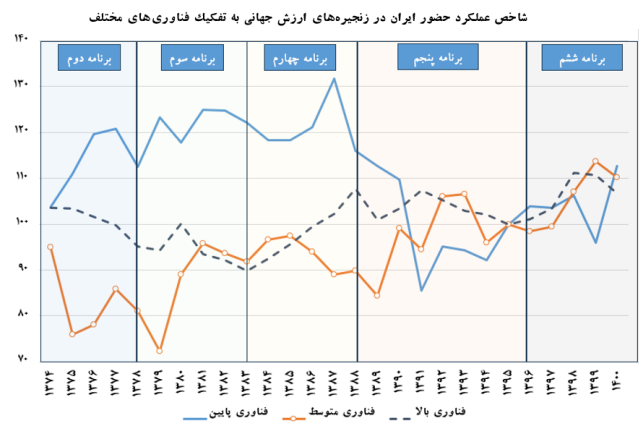
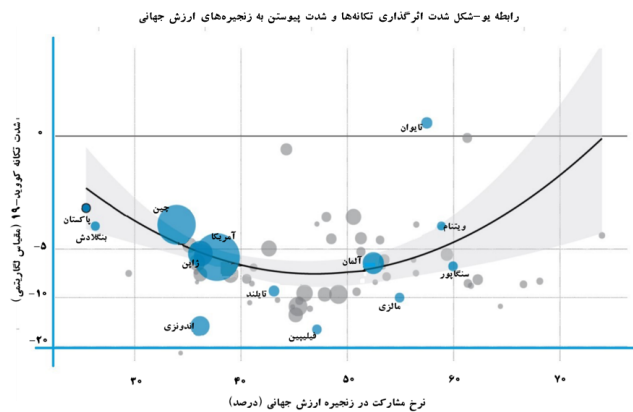
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

موضوع: ملاحظات در طراحی «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور»

تهیه و تنظیم: امین مالکی - مریم خلیلی اصلی

توضیح اجمالی:

تهیه سند «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» امروز یکی از مأموریت‌های مهم وزارت صنعت، معدن و تجارت در جدول الزامات قانونی اجرای برنامه پنجساله هفتم به شمار می‌رود و پیش‌نیاز انجام چنین مأموریتی، بررسی فرصت‌ها و تهدیدات حضور بیشتر در زنجیره‌ها و بررسی میزان مشارکت زنجیره‌محور حال حاضر ایران در اقتصاد جهانی است.



نمودار سمت «چپ» جریان اثرگذاری تکانه کووید-۱۹ بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف با درجه ادغام متفاوت در زنجیره‌های ارزش جهانی را نشان می‌دهد که بیانگر یک رابطه «یو-شکل» است. اگر سه دسته ارزش افزوده نظام تولید کشور میزبان که در اختیار شرکای تجاری آن قرار می‌گیرد را جمع‌زده و بر تولید ناخالص داخلی تقسیم کنیم، نرخ مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی آن کشور به دست می‌آید و تنها در صورت ورود جریان ارزش افزوده کشور میزبان به سه مجراست که آن ارزش افزوده در محاسبه نرخ مشارکت در نظر گرفته می‌شود: ۱- جذب مستقیم توسط شریک تجاری به عنوان کالای واسطه‌ای و استفاده نهایی از آن، ۲- صادرات مجدد توسط شریک تجاری و ۳- صادرات مجدد توسط شریک تجاری و بازگشت به کشور میزبان برای استفاده در تولید محصول نهایی. امروز دریافته‌ایم که اگر صنعتی وارد زنجیره‌های ارزش جهانی شود، در واکنش به هر تکانه، با دو اثر تخفیف‌دهنده «تنوع» و تشدیدکننده «انتشار» مواجه می‌شود و بسته به قدرت این دو در هر تکانه، نتیجه اثرپذیری آن صنعت متفاوت خواهد بود. اگر مجموع دو اثر خنثی‌کننده تنوع و انتشار را «شدت تکانه» بنامیم، خط عمودی نمودار سمت «چپ» نمایش‌دهنده «شدت تکانه» و خط افقی نمایانگر «نرخ مشارکت» است. نمودار، سه دسته کشور با نرخ مشارکت پایین (مانند پاکستان و بنگلادش)، متوسط (مانند فیلیپین و هند) و بالا (مانند ویتنام و مالزی) را از هم متمایز می‌کند. رشد اقتصادهای گروه اول در نتیجه تکانه‌ها آسیب چندانی نمی‌بیند، رشد اقتصادی گروه دوم شدیداً پایین می‌آید و گروه سوم رشد اقتصادی بیشتری پیدا می‌کنند. لذا تجربه همه‌گیری کووید-۱۹ به ما نشان می‌دهد که در هنگام مواجهه با تکانه اقتصاد جهانی، مشارکت «متوسط» بدتر از مشارکت «پایین» است و انتفاع زنجیره‌های ارزش جهانی در شرایط تهدیدات همزاد اقتصادی سیاسی حال حاضر، نیازمند عبور از آستانه نرخ مشارکت ۵۰ درصدی است. در نگاهی به اسناد بالادستی اقتصاد کشور، مشاهده می‌شود که تقریباً در تمامی آن‌ها فعالیت‌های ارزش‌افزای صنعتی صرفاً دو دسته رویه‌های ۱- «تولید سنتی داخلی» و ۲- «تولید سنتی تجاری» را شامل می‌شوند. منظور از «تولید سنتی داخلی»، ارزش افزوده بنگاه‌های داخلی در تولید کالای نهایی، به منظور مصرف و پوشش تقاضای داخل و منظور از «تولید سنتی تجاری»، ارزش افزوده بنگاه‌های داخلی در تولید کالای نهایی، به منظور صادرات و پوشش تقاضای خارجی است. در طراحی «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» و زمانی که از برقراری ارتباط «عمیق» با زنجیره‌های ارزش جهانی صحبت می‌کنیم، باید برای سه دسته رویه ارزش‌افزا و زنجیره‌محور برنامه‌ریزی کنیم. این سه دسته، رویه‌های تولیدی جدید زنجیره‌محور عبارتند از ۳- «تولید زنجیره‌ای تجارت‌محور» به معنای ارزش افزوده بنگاه‌های داخلی در تولید کالای واسطه‌ای، به منظور صادرات به بنگاه‌های کشور واردکننده (کشور دوم) جهت تولید کالای نهایی و پوشش تقاضای داخلی کشور دوم یا صادرات به کشور سوم، ۴- «تولید زنجیره‌ای سرمایه‌گذاری خارجی محور» به معنای ارزش افزوده بنگاه‌های خارجی در کشور میزبان جهت تولید کالای نهایی به منظور پوشش تقاضای داخل یا صادرات و نهایتاً ۵- «تولید زنجیره‌ای تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی محور» به معنای ارزش افزوده بنگاه‌های خارجی یا داخلی در کشور میزبان، در تولید کالای واسطه‌ای به منظور بکارگیری در تولید کالای نهایی برای پوشش تقاضای داخلی (کشور میزبان) یا صادرات. در نمودار سمت «راست» میزان وابستگی کشور به کالاهای واسطه‌ای وارداتی و صادراتی در رویه‌های تولیدی سه‌گانه زنجیره‌محور برای جانمایی ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی مورد استفاده قرار گرفته و برای دسته‌بندی فناورانه صنایع از تعریف دفتر «سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)» کمک گرفته شده است. در این تعریف ستانده صنعتی



دیدگاه

در صنایع غذایی و آشامیدنی، دخانیات، منسوجات، پوشاک، چرم و کیف و کفش، چوب و محصولات چوبی، کاغذ و محصولات کاغذی، انتشارات و مبلمان ستانده با فناوری «پایین» تعریف می‌شود. صنایع سوخت‌های فسیلی، لاستیک و پلاستیک، سیمان، شیشه و سرامیک، فلزات پایه و محصولات فلزی در گروه صنایع با فناوری «متوسط» قرار می‌گیرند و صنایع شیمیایی، ماشین‌آلات و قطعات، لوازم الکترونیک، مخابراتی، خودرو و دیگر اقلام ترابری با فناوری «بالا» تلقی می‌شوند. شاخص مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی صنایع کارخانه‌ای ایران را به تفکیک سطوح فناوری طی دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد که طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه تولید شدیداً ماهیت غیرزنجیره‌ای یافته و با حرکت به سمت تولید داخل و سیاست‌های جایگزینی واردات، کشور از امکانات جهانی زنجیره‌ها متداوم‌تر بهره‌مند شده است. اما برنامه ششم نشان می‌دهد که در هر سه زنجیره با فناوری پایین، متوسط و بالا نسبت به دو برنامه پیشین پیشرفت داشته‌ایم. در سال ۱۴۰۰ که رسماً سال پایانی برنامه ششم توسعه قلمداد می‌شود، به لحاظ عملکرد زنجیره‌ای، تجارت خارجی کشور در سه زنجیره با فناوری پایین، متوسط و بالا حضور بیشتری پیدا کرده است. پس از حداکثر حضور زنجیره‌ای نظام تجارت خارجی کشور در پایان برنامه سوم، طی برنامه چهارم و پنجم به تدریج از تجارت زنجیره‌محور فاصله گرفته‌ایم که محدودیت‌های بین‌المللی را می‌توان یکی از عوامل اصلی آن به شمار آورد. با شروع برنامه ششم اما مجدداً کشور سعی در بازیابی جایگاه خود در زنجیره‌های ارزش جهانی داشته و در حوزه اقلام با فناوری متوسط و بالا توانسته یک دوره بازگشتی با سرعت مناسب را در پیش بگیرد.

نکات کلیدی:

- حضور در زنجیره‌ها تنها یک فرصت نیست، بلکه اگر طبق اهداف لایحه برنامه هفتم و مأموریت‌هایی که به وزارت صنعت، معدن و تجارت و دیگر سازمان‌های دولتی داده شده، قصد عبور از شرایط فعلی مشارکت پایین را داریم، یا باید سطح ادغام حداکثری را هدف‌گیری و یا به شرایط موجود بسنده کنیم. اگر از سطح مشارکت پایین عبور کرده و در سطح متوسط باقی بمانیم، در نتیجه هر تکانه اقتصادی و سیاسی، نرخ‌های رشد اقتصادی منفی دو رقمی را تجربه خواهیم کرد. مشارکت در سطح متوسط مستعد بیشترین آسیب‌پذیری‌ها است و زنجیره‌های ارزش جهانی امروز تنها به کشورهایی انتفاع می‌دهند که شرایط ادغام کامل (حضور فعال شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و ورود جریان عظیم سرمایه‌گذاری خارجی) را تجربه می‌کنند.
- بحران‌های اقتصادی از جنس بحران مالی جهانی در سال ۱۳۸۷ (سال ۲۰۰۸) باعث شده است که ایران از نظام زنجیره ارزش جهانی به ویژه در زنجیره‌های با فناوری پایین فاصله گرفته، عملکرد مناسب حضور در حلقه‌های اول زنجیره‌های فناوری در برنامه چهارم با عملکرد منفی حضور در زنجیره‌های با فناوری پایین و متوسط جبران شود. هر چند در سال ۱۳۹۸ به دلیل شیوع بیماری کووید-۱۹ و اختلال در شبکه تامین مواد اولیه، میزان مشارکت صنایع با فناوری پایین در زنجیره‌های ارزش جهانی مجدداً کاهش یافته اما تداوم حضور ایران در دو زنجیره با فناوری متوسط و بالا از ابتدای برنامه ششم تثبیت شده است.
- کشور ایران با وجود برخورداری از پتانسیل‌های مناسب، به دلیل مشکلات بین‌المللی و تحریم‌ها نتوانسته جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خوبی داشته باشد و مشارکت در زنجیره‌های فناورانه عموماً از طریق حضور در حلقه‌های اولیه این زنجیره‌ها (رویه تولید زنجیره‌ای تجارت‌محور) و حضور شرکت‌های ایرانی مستقر در دیگر کشورها (رویه تولید زنجیره‌ای سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت محور) صورت گرفته که مهم‌ترین شاخصه آن عدم استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های خارجی در چارچوب سرزمینی و مزایای انتقال فناوری، مهارت و دانش این شرکت‌ها است (پایین بودن رویه تولید زنجیره‌ای سرمایه‌گذاری خارجی‌محور).
- حضور ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی در نتیجه تکانه‌های بین‌المللی شدیداً تحت تاثیر قرار می‌گیرد. تکانه‌های اقتصادی از جنس بحران مالی جهانی و همه‌گیری کووید-۱۹ که تقاضای جهانی را پایین می‌آورد، بیش از همه بر مشارکت در زنجیره‌های با فناوری پایین (غذایی و آشامیدنی، دخانیات، منسوجات، پوشاک، چرم و کیف و کفش، چوب و محصولات چوبی، کاغذ و محصولات کاغذی، انتشارات و مبلمان) اثر منفی می‌گذارد و تکانه‌های سیاستی که بر سطح ارتباطات سیاسی، مالی، فناوری و ارزی کشور اثر می‌گذارند، بیش از همه مشارکت ایران در زنجیره‌های با فناوری متوسط (سوخت‌های فسیلی، لاستیک و پلاستیک، سیمان، شیشه و سرامیک، فلزات پایه و محصولات فلزی) و بالا (صنایع شیمیایی، ماشین‌آلات و قطعات، لوازم الکترونیک، مخابراتی، خودرو و دیگر اقلام ترابری) را کم می‌کنند.
- در طراحی «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور»، توجه به سیاست‌های مکمل حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری‌های اقتصادی - سیاسی برای رسیدن به «سطح ادغام آستانه‌ای» امری الزامی است. همچنین در این راهبرد باید بسته‌های ورود و پشتیبانی از صنایع مختلف بسته به سطح فناوری متفاوت باشد.